

کرده بسیار با ما شریک	جمع کرده مردمان شریک
که همه ذوق تیرا دوست	او چراغ همه تیرا دوست
هم خلاف طریق بست او	نگذیدند مردمانش مگو

اللهم اِنِّي اسْتَسْقِلُكَ الْاِسْتِمْسَالَةَ لِيَسْتَدِيهَ وَ
 اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْاِخْتِرَافِ عَمَّا جَاءَ بِه
 يَا اَللّٰهُمَّ مِنَ الْمَرْسَبِ
 که نمند از بستنش بنام
 نیز از تو پنهان هر جویم
 ز آن سرفراز بجا آمد بود
 از تو دارم امید بستن ما
 سالک راه تیرا شکر شایم
 منبده بودت اوست اویم
 بر خسته ز تو ایام عبور

اللهم اِنِّي اسْتَسْقِلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلْتُكَ
 مِنْهُ لِحُسْنِ نَيْتِكَ وَرِسْوَلِكَ صَلَّى اللهُ
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ
 مَا اسْتَسْقِلُكَ مِنْهُ لِحُسْنِ نَيْتِكَ وَرِسْوَلِكَ
 صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 یا اَللّٰهُمَّ اِنْ تَوَاخَرْنَا فَرِحْنَا

۱۲۰

بهر تیرت هر چه او جوید	خوبتر از سخن که او گوید
خواهش را بهت بکنم قبول	بسر محمد نبی تیرت رسول
یا بسیار تو پناه هر جویم	از شر دور هر آنچه میگویم
خواهسته ز تو پناه از هر دور	بغیر از آن چیز از تو بگویم
گوئی تو دور رسول تو بست	خاصه شمع قبول تو است
رحمت حق نام او باد	هم تحت بکام او باد

اللهم اغصني من شير الفتن وعافيني
 جميع الحزن واصح لي ما ظنرت وما بطن
 وفتح قلبي من الحديد والحسد ولا تجعل علي
 يتاعه لاحيد
 یا اَللّٰهُمَّ لَكَ دَارُ حَرِّ
 عافيت خیر از جمع سخن
 از شر خواه ظاهر است شمار
 و لطم از کینه جگر ز دور
 نسی ما بجز هر کس از منم
 از شر نرسد بارک از جمعی
 سب از اصلاح کار با من
 یا ز من باطنی از من کار
 ناک آمد و سب از من دور
 یا بجز از چنین بلامان